

عبدالملک الحوثی لقب «ابو جبریل» را به عنوان اسم مستعار برای خود انتخاب کرد. او یکی از اهالی صعده بود که دست تقدیر او را برای تغییر تاریخ یمن انتخاب کرد. شهروندی که به ایمان و مردم وطنش وفادار بود، اما شهرت و شخصیتش به ورای مرزها رسید. کسی که در حال حاضر از شهرت منطقه‌ای برخوردار بوده و قوی‌ترین حضور و نفوذ را در عرصه داخلی دارد و در معادلات حال و آینده یمن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. حال به بررسی ابعاد پنهان، دردناک، پرغصه و خونین زندگی عبدالملک می‌پردازیم.

ابو جبریل خود سمبل پیروزی و اسوه صبر است. او رفیق قلم و تفنگ است، رزمنده ای جسور مسلح به کلمه و فریاد. حکیمی اندیشمند و ماجراجویی سرسخت. او محبوب مردم و مغضوب دشمنان مردم است. عبدالملک که پیروزمند و شکست ناپذیر به نظر می‌رسد از نظر دوستدارانش، رحمتی است که از آسمان نازل شده است؛ متخصص در شگفتی آفرینی است... او جمع اضعاد است. هم درد است و هم درمان، هم سؤال است و هم پاسخ، هم گلوله است و هم گل، هم لیخند است و هم اشک. او رمز تخریب سنگرهای دشمن است و راز آبادانی خانه‌های مردم، بهشت آرزوی‌های مردم و جهنم سوزان برای آرزهای دشمنان مردم،

سرخ و سبز، هم ترس است و هم آرامش، هم بیم است و هم امید؛ یک کلام او ابوجبریل است. حماسه و اسطوره‌ای که واقعیت دارد. شاید خودش نداند، اوست که مؤلفه‌های این حماسه را می‌سازد و شاید خودش متوجه اهمیت و عظمت آنچه که می‌سازد نیست. گرفتاری مداوم و مستمر او در جنگ و درگیری سبب شده است خود و همزمانش وقت کافی برای فکر کردن به کاری که می‌کنند را نداشته باشند... درست است که این انسان‌ها جدا از جهان و به دور از هیاهوی رسانه‌ها در یمن؛ جایی که به‌وسیله رسانه‌ها به فراموشی سپرده شده و در صعده؛ جایی که زیر آوار تاریخ مدفون شده، هستند اما عبدالملک الحوثی مهم‌ترین شخصیت جهان است که یک تنه در برابر غرور و تکبر و خودسری ابرقدرت جهان، آمریکا ایستاده است... او از عدم، از هیچ آمده است و چیزی نداشت جز اندیشه‌ای برگرفته از رهبر شهید بنیان‌گذار. او هیچ نداشت جز مردانی که در برابر پروردگار سر تسلیم در پیش افکنده‌اند و در مقابل اهریمنان سینه سپر کرده‌اند، هزاران هواداری که او را بیش از خود و فرزندان‌شان دوست دارند. حال همین یک نکته جزئی، مستلزم درک و درنگ بسیار است.



گرفتن مسئولیت رهبری پس از او بود. انگار برادرش حسین هم بارقه‌ها و نشانه‌های لیاقت رهبری را در او دیده بود و این انتخاب با در نظر گرفتن انبوه موفقیت‌هایی ورای تصور عبدالملک، انتخاب بسیار به جایی بود. تا به این ترتیب سیرسلوک دشوار او از مران تا آینده‌ای نامعلوم با همه سختی‌ها و خطراتش و حجم عظیم مشکلاتی که او را از هرطرف احاطه کرده بود، ادامه یافت. او در عین حال در دل شب به سیر و سلوک خود و راز و نیاز با خدا ادامه می‌داد و در آن لحظه‌های دشوار هیچ مأوا و مقصدی جز خدا نداشت. عبدالملک همراه سه تن از دوستان مورد اعتمادش در گرماگرم جنگ به گشت‌زنی در ارتفاعات «مران الضاجه» و روستاهای ویران شده و صخره‌ها و دره‌ها می‌پرداخت، آن‌هم در زمانی که بوی خون جنازه‌های پراکنده با بوی باروت در هم آمیخته بود... هیچ کس از خانواده و دوستانش خبر نداشت... گرسنگی و تشنگی و ترس و زخم و خستگی رنج‌هایش را دوچندان می‌کرد... پیاده و بی‌هیچ یار و یآوری به هر سو می‌رفت و می‌دانست همواره چشمانی او را دنبال می‌کنند و می‌ترسید با کسی برخورد کند یا کمک بخواهد، شناسایی شود... هیچ کس نمی‌داند او چه اندازه زجر کشید. هیچ کس باور نمی‌کند عبدالملک چه مسافتی را در میان کوه‌ها و صخره‌ها و در دل سخت طبیعت

خشن از مران تا ضحیان طی کرد تا اینکه بتواند خود را زنده به منطقه نشور نزدیک شهر صعده و از آنجا به منطقه نعهه و منطقه کوهستانی و خالی از سکنه مطره در مرزهای عربستان برساند. در این میان فقط لطف خدا بود که عبدالملک را زنده نگه داشت؛ زیرا حتی اگر در جنگ کشته نمی‌شد، دشواری چنین سفری حتماً او را از پای درمی‌آورد.

اما او به وصیت برادرش حسین که تأکید کرده بود به هیچ وجه در آن روزها هویت خود را فاش نکند، پایبند بود در حالی که این کار در آن شرایط برای عبدالملک به مراتب دشوارتر از ۱۰ سال پیش بود. یعنی زمانی که پدر پیرو بیمارش در سال ۱۹۹۳/۹۴ از سوی مأموران دولتی و طرف‌های دیگر به همین اتهامات سیاسی و مذهبی شامل شیعه اثنی عشری بودن و وابسته بودن به ایران متهم شد. علامه بدرالدین الحوثی در آن زمان مورد حمله ظالمانه قرار گرفت. مأموران دولتی به منزل او در مران حمله کرده و آنجا را به گلوله بستند و ویران و غارت کردند. حسین در آن زمان نماینده پارلمان و ابو جبریل، ۱۴ ساله بود... در آن زمان خانواده آن‌ها از مران به «جمعه بن فاضل» مهاجرت کردند. در آن‌جا نیز سید بدرالدین از احترام وافر مردم برخوردار بود. واحدها و عناصر امنیتی می‌کوشیدند او را در محل جدیدش در بازداشت نگه

عبدالملک الحوثی لقب «ابو جبریل» را به عنوان اسم مستعار برای خود انتخاب کرد. او یکی از اهالی صعده بود که دست تقدیر او را برای تغییر تاریخ یمن انتخاب کرد. شهروندی که به ایمان و مردم وطنش وفادار بود، اما شهرت و شخصیتش به ورای مرزها رسید

تشکر سید عبدالملک از ایران بابت حمایت از مردم یمن

کلیپی که از سخنرانی سید عبدالملک بدرالدین الحوثی به مناسبت سپری شدن ۸ سال از آغاز حملات به مردم یمن این سخنرانی در تاریخ ۵ فروردین سال ۱۴۰۱ انجام و کلیپ به صورت رسمی توسط مرکز اعلام انصارالله تولید و منتشر شده است.

